

اندیشه‌های اسلامی در پرتو کتاب و سنت

توحید محور زندگی

تألیف:

دکتر عمر سلیمان اشقر

ترجمه:

گروه فرهنگی انتشارات حرمین

توحید محور زندگی	عنوان کتاب:
دکتر عمر سلیمان اشقر	مؤلف:
گروه فرهنگی انتشارات حرمین	مترجم:
توحید و الهیات	موضوع:
اول (دیجیتال)	نوبت انتشار:
آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری	تاریخ انتشار:
www.aqeedeh.com کتابخانه عقیده	منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaiislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

فهرست مطالب

- پیشگفتار ۳
- توحید محور زندگی ۵
- جرقه‌ی امید ۶
- شما وارث پیامبران هستید ۹
- مسئولیت شما چیست؟ ۱۰
- شناخت خدا منشأ پرورش نفس ۱۲
- ایمان به خدا وسیله‌ی کشف اسرار و تعیین جهت ۲۱
- «خداوند» محور همه‌ی فعالیت‌ها ۲۴
- توحید محور قرآن است ۲۹
- کسی که خدا ندارد هیچ چیزی ندارد ۳۰
- توحید نخستین مسئولیت دعوت‌گران است ۳۳
- شرک هنوز هم ماندگار است ۳۴
- شرکی که امروز بسیار رایج است ۳۴
- نشانه‌های یکتاپرستی ۳۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على المبعوث رحمة للعالمين،
وعلى آله وصحبه الطيبين الطاهرين، وعلى من اهتدى بهديهم، واتبع سبيلهم
إلى يوم الدين.

اگر هدف و انگیزه‌ی بعثت آخرین پیام آسمانی را به دقت مورد بحث و بررسی
قرار دهیم، یقین می‌یابیم که محور آن و محور تمام پیامهای آسمانی و همچنین
محور حقیقی زندگی انسان توحید و یکتاپرستی می‌باشد؛ پس ارزش حقیقی انسان
وقتی نمایان می‌گردد که پروردگارش را به عنوان محور زندگی خود قرار داده باشد:

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٢﴾﴾

[الأنعام: ۱۶۲].

یعنی: «بگو نماز و عبادت و زیستن و مردن من از آن خداست که پروردگار
جهانیان است».

از این رو حرکت انسان با حرکت جهان هستی هماهنگ می‌شود؛ زیرا جهان
فرمانبردار دستورات الهی، در اختیار قدرت او و مشغول تمجید و ستایش وی است؛
پس هرگاه بنده در برابر پروردگارش قد علم کرده و به انحراف و کژی روی آورد، به
نغمه و آهنگی ناهمخوان با این جهان پهناور و شگفت‌انگیزی که دنباله‌رو فرامین

خدای یکتاست، تبدیل می‌گردد.

این نوشتار ابتدا در تاریخ ۱۸ تا ۲۰ دسامبر ۱۹۸۰ به مناسبت سالگرد بیستمین انجمن دانشجویان مسلمان در آمریکا و ایرلند به عنوان سخنرانی ارائه شد؛ و به توضیح و بیان قضیه‌ی «توحید خداوند بلند مرتبه» پرداخته که مدار زندگی فرد مسلمان و جامعه‌ی اسلامی است.

لازم است که دعوتگران، نویسندگان و اساتید با استفاده از وسائل و روشهای گوناگون به توضیح و تبیین این مسأله پردازند؛ زیرا فهم و یادگیری این قضیه بر هر فردی از جامعه‌ی بشری ضروری است، در غیر این صورت موجب خسارت دنیا و آخرت می‌شود.

از درگاه ایزد منان خواهانیم که بر ما منت گذاشته و دینی مخلصانه و عمل به فرامینش را به ما عطا نماید؛ زیرا او بهترین فرمانروا و یاری رسان است.

توحيد محور زندگی

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ، وَنَسْتَعِينُهُ، وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ. وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [آل عمران: ١٠٢].

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ [النساء: ١].

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾ [الأحزاب: ٧٠-٧١].

أما بعد: فإن أصدق الحديث كلام الله، وخير الهدى هدى محمد ﷺ، وشر

الأمور محدثاتها، وكل محدثة بدعة، وكل بدعة ضلالة، وكل ضلالة في النار.

جرقه‌ی امید

برادران و خواهران گرامی! چنانکه خبر دارید ظلم و ستم، جهان را فرا گرفته و در راه نابودی آن قدم برداشته است، بدانید که تنها جرقه‌ی از بین بردن آن، شما جوانان مشرق و مغرب زمین هستید که به خداوند ایمان آورده و در راه آن تلاش ورزیده‌اید. امروزه جامعه از لحاظ علوم تجربی به قله‌های بلندی دست یافته است؛ با وجود اینکه در فضا سفر کرده و به اعماق زمین فرو رفته و اسرار فراوانی را کشف نموده، اما از نظر علوم انسانی و اسرار زندگی و راه رسیدن به خدا در نادانی عمیقی بسر می‌برد؛ از این رو ممکن است آن علوم تجربی‌ای که کسب نموده به بلای خانمانسوزی تبدیل گشته و بشریت را به نابودی بکشاند.

اکنون انسانها خود را نشناخته و راه سعادت و خوشبختی را یاد نگرفته، و از وحی الهی فاصله گرفته و در پی سعادت و آرامش هستند، اما راه رسیدن بدان را نمی‌دانند، ایشان مانند کسانی هستند که در بیابانی گسترده کورکورانه و بدون راهنما به راه افتاده‌اند، پس چگونه به راهی دست می‌یابند که آنها را به هدفشان برساند؟

خداوند برای راهنمایی انسانها و شناسایی راههای رسیدن به ساحل امنیت و راه مستقیم پیامبرانی را فرستاد، اما متأسفانه امروزه انسانها آموزه‌های پیامبران را فرو نهاده و از دنبال کردن راه و منش آفریننده‌ی خود تکبر ورزیده‌اند، سرانجام به چنان بدبختی و بلایی دچار شده که در درون خود آنرا احساس نموده و بر خطوط گونه‌هایشان تأثیر گذاشته است. به خدا سوگند آثار این تیره‌روزی را در چهره‌ی قوم و ملت این سرزمینی^۱ که از آئین و برنامه‌ی الهی روی‌گردان شده به وضوح درک می‌کنم. و این، وضعیت هر ملتی است که به منهج خداوند پشت کرده و به قوانین

بشری روی آورده است، اما جز کسانی که از جاهلیت آنها بیرون آمده هیچ کسی دیگر از این تیره‌روزی و بدبختی آگاهی ندارد.

لازم به یادآوری است که محمد اسد^۱ نیز بعد از اسلام آوردنش همانند بنده به این بدبختی جامعه‌ی بشری پی برده و از آن پرده برداشت، آنگاه که کتابی بنام «الطریق إلى مكة» را به نگارش درآورد و در چاپ بعدی عنوان کتاب را به «الطریق إلى الإسلام» تغییر داد.

بیماری‌های درونی و روانی، از آثار آن بدبختی است، روانشناسان و جامعه‌شناسی از یافتن راه حلی جهت نجات مردم از این‌گونه بیماریها نومید گشته‌اند، بلکه بسیاری از آنان خود نیز از این بیماری می‌نالند، پس چگونه می‌توانند مردم را از دردی نجات دهند که خود بدان دچار شده‌اند!

بعد از اینکه با یکی از جامعه‌شناسان مدرسه‌ای آشنا شدم از مشکلات و ناراحتیهایی برایم تعریف کرد که درونش را فرا گرفته و بر قلبش چیره شده بود، ایشان یادآور شد که روز روشن را تیره و ناهموار می‌بینم و شب را به بیداری سپری می‌کنم، و برای رهایی از این بیماری جز استفاده از افسون و طلسمهای مادر بزرگم که آن را زیر بالشم می‌گذارم و بعد می‌خوابم. هیچ راه حل دیگری را نمی‌یابم.

شما را به خدا سوگند می‌دهم به من بگویید کسی که خود چنین حالتی دارد چگونه می‌تواند مشکلات دیگران را بگشاید؟ و اگر با خدا ارتباطی نیکو برقرار می‌کرد و ساعتی را با ذکر خدا سپری می‌نمود قلبی سرشار از اطمینان و روانی آرام را به دست می‌آورد.

﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ [الرعد: ۲۸].

۱- محمد اسد قبل از اسلام لوبلد فایس نام داشتند، ایشان یهودی تبار و از قبیله‌ی نمسا بودند.

«آن کسانی که ایمان می‌آورند و دل‌هایشان با یاد خدا سکون و آرامش پیدا می‌کند. هان! دلها با یاد خدا آرام می‌گیرند».

لازم به یادآوری است که تنها کشورهای عقب افتاده و فقیر دچار غم و ناراحتی و مشکلات درونی نیستند، بلکه این کشورهای در حال پیشرفت و متمدن هستند که از مشکلات روانی می‌نالند. مردم این دیار از زندگی لذت نمی‌برند و زندگی را سبک و بی‌ارزش می‌انگارند و خود را فرومایه تلقی می‌کنند، از این رو در این‌گونه جوامع دختر و پسرهای منحرفی به وجود می‌آیند، چنانکه نمونه‌ی آن را در افرادی بزدل و فرومایه مشاهده می‌کنیم، کسانی که به خاطر فرار از واقعیت و مشکلات گوناگونی که پیرامونشان را فرا گرفته‌اند به مواد مخدری روی آورده‌اند که عقلشان را می‌گیرد و توان و نیرویشان را نابود می‌نماید؛ واقعیت این است که برخی اوقات مشکلات و سختیها، این افراد را به درجه‌ای می‌رساند که می‌خواهند بر بالای قله‌ی بلندی رفته و خودکشی نمایند. دیروز خبری خواندم که مرا آشفته و پریشان کرد، آن راهپیمایی پرهیاهویی بود که هزاران نفر در آن شرکت داشتند. تظاهرات به خاطر اشغال افغانستان نبود که مردم آن دیار با سختی‌ها و بلاهای گوناگونی مواجه هستند، و به خاطر مرگ و میر صدها هزار شهروند هندی نیست که از گرسنگی جان می‌سپارند، و به خاطر پایدالی حقوق انسان در بسیاری از نقاط جهان هم نبود، بلکه به خاطر مرگ خواننده‌ای بود که از زندگی بیزار شده و خودکشی کرده بود، نه تنها پریشانی‌شان را با تظاهرات نمایان کردند، بلکه دو نفر از آنها نیز به خاطر وی خود را به قتل رساندند! این چه ارزش و ارمغانی است؟ این زندگی بی‌ارزشی است که افراد فرومایه را بزرگ می‌پندارد، و زندگی را با غم و غصه پیرامون این بی‌مایه‌ها می‌گذرانند، میان این زندگی و آن مسلمانی که تنها به فرمان خدا حرکت می‌کند و از نافرمانی وی پرهیز می‌نماید، مرگ و زندگیش را وقف پروردگار خویش گردانیده استو تفاوت فراوانی وجود دارد.

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٢﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ ۗ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٦٣﴾﴾ [الأنعام: ۱۶۲-۱۶۳].

«بگو: نماز و عبادت و زیستن و مردن من از آن خداست که پروردگار جهانیان است؛ خدا را هیچ شریکی نیست، و به همین دستور داده شده‌ام، و من اولین مسلمان (در میان امت خود، و مخلص‌ترین فرد در میان همه انسانها برای خدا هستم)».

این افرادی که خود کشی می‌کنند از کشورهای عقب افتاده و جهان سوم نیستند، بلکه فرزندان کشور متمدنی همچون آمریکا می‌باشند؛ این ماجرا مرگ خواننده‌ی معروف مصری «عبدالحمیم حافظ» را برایم یاد آور شد حافظ (که پس از مرگ وی چهار نفر خودکشی کردند).

دوستان! به زندگی مردم بنگرید! هرگز امنیت و آرامش را برای آنان نمی‌یابید کسی که برنامه‌های تلویزیونی را مشاهده کرده و روزنامه مطالعه می‌نماید و به اخبار گوش فرا می‌دهد، می‌تواند میزان جرایم را درک کند که باعث آشفته‌گی مردم شده و ترس و هراس را در درون آنها ایجاد نموده است، هر روز خون کسی ریخته می‌شود تا از زندگی سخت و پرهیاهوی مردم پرده بردارد.

شما وارث پیامبران هستید

برادران! شما امید امروز بشریت هستید همچنان‌که گذشتگان مایه‌ی امید دوران خود بوده‌اند، شما پیروان کاروانی نیستید که از هزار و چهارصد سال قبل شروع شده است، بلکه دنباله‌روی قافله‌ای هستید که پیشینه‌ی آن به دورانهای بسیار بعیدی بازمی‌گردد، شما پیروان پیامبران الهی هستید، آنانی که در طول تاریخ حامل مشعل هدایت بوده‌اند، شما همان پرچمی را برافراشته‌اید که آنها برداشته بودند، شما نیز با همان باور و عقیده‌ای که آنها داشتند مسیری را می‌پیمایید که آنها می‌پیمودند،

هدفمان یکی است که محور آن خداوندگار است، پس به سوی او حرکت می‌کنیم و از هدایت وی راهنمایی می‌جوییم.

مسئولیت شما چیست؟

ما که به خدا ایمان داریم و از قانون اسلام پیروی می‌کنیم و محمد را به عنوان پیامبر پذیرفتیم، در واقع نقش پیامبران و پیروان آنها در طول تاریخ بشریت را ایفا می‌کنیم؛ زیرا ما می‌خواهیم انسانها را از پراکندگی و گمراهی به سوی پروردگاری یگانه بازگردانیم، تا او را به عنوان آفریدگار و معبود خود برگزینند و از دین و آیین وی پیروی نمایند و پیامبرش را به عنوان هدایتگری مژده دهنده و ترساننده بپذیرند؛ مسئولیت ما امروزه ی ما همان مسئولیتی است که سلف صالح بدان پرداختند، و همان است که آسمانها و زمین از حمل آن سرباز زدند، سرانجام انسان آن را پذیرفت، اما متأسفانه بسیاری از آنها کوتاهی ورزیدند و از حمل آن سر برتافتند:

﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾ [الأحزاب: ۷۲].

یعنی: «ما امانت (اختیار و اراده) را بر آسمانها و زمین و کوهها (و همه‌ی جهان خلقت) عرضه داشتیم (و انجام وظیفه اختیاری همراه با مسئولیت، و انجام وظیفه-ی اجباری بدون مسئولیت را بدیشان پیشنهاد کردیم. جملگی آنها اجبار را بر اختیار برتری دادند) و از پذیرش امانت خودداری کردند و از آن ترسیدند، و حال این که انسان (این اعجوبه‌ی جهان) زیر بار آن رفت (و دارای موقعیت بسیار ممتازی شد. اما برخی از) آنان (پی به ارزش وجودی خود نمی‌برند و قدر این مقام رفیع را نمی‌دانند و) واقعاً ستمگر و نادانند».

امانت گرانبهایی که افرادی منتخب آن را به دوش گرفتند، خداوند همه‌ی

پیامبرانش را جهت تبلیغ این پیام و برپا کردن احکام آن بسوی انسانها فرستاد.

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾ [الأنبياء: ۲۵].

«ما پیش از تو هیچ پیغمبری را نفرستاده‌ایم، مگر این که به او وحی کرده‌ایم که: معبودی جز من نیست، پس فقط مرا پرستش کنید».

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ [النحل: ۳۶].

«ما به میان هر ملتی پیغمبری را فرستاده‌ایم (و محتوای دعوت همه پیغمبران این بوده است) که خدا را پرستید و از طاغوت (شیطان، بتان، ستمگران، و غیره) دوری کنید».

لازم به یادآوری است که خداوند در گفتگویی با موسی این هدف را در چند کلمه خلاصه نمود، آنگاه که موسی از مدین بازگشت و در صحرای سینا راه را گم کرد و به طرف نوری رهسپار شد که از دور آن را مشاهده نمود، هنگامی که به آنجا رسید خداوند او را این گونه فرا خواند:

﴿إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي﴾ [ط: ۱۴].

«من «الله» هستم، و معبودی جز من نیست، پس تنها مرا عبادت کن».

آری این فرمان خدا به موسی بود، و به همین خاطر او و سایر مخلوقات را آفرید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿۵۶﴾ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُوا ﴿۵۷﴾ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ﴿۵۸﴾﴾ [الذاریات: ۵۶-۵۸].

«من جنها و انسانها را جز برای پرستش خود نیافریده‌ام. من از آنان نه درخواست هیچ گونه رزق و روزی می‌کنم، و نه می‌خواهم که مرا خوراک دهند. تنها روزی‌رسان و صاحب قدرت و نیرومند خدا است و بس».

شناخت خدا، آگاهی از وی و روی آوردن به او نقطه‌ی شروع حرکت صحیح انسان است، و انحراف از خدا و عدم آگاهی به وی نقطه‌ی گمراهی و خسارات در زندگی انسان می‌باشد؛ ایمان به خدا زیربنایی مورد نیاز است که ساختمانی محکم و استوار بر روی آن بنیان می‌شود، و اگر زیربنایی غیر از ایمان به خدا را برای آن در نظر گیرند، ساختمانی معیوب و ضعیف ساخته میشود که هر لحظه ممکن است سازنده را به قتل رسانده و یا ساکنان آن را نابود کند.

شناخت خدا منشأ پرورش نفس

شناخت خدا، نفس انسانی را از زنگار گناه و انحراف از آیینهای انسان ساز آسمانی می‌پیراید، بنابر این علم، اصل و اساس هر عمل و تلاشی است، و باید دانست که فعالیت‌های روزانه ارتباط عمیقی با اندیشه‌ها و اعتقادات انسان دارد و از قدیم گفته‌اند: انسان اسیر افکار خود است.

به همین خاطر قرآن به ما دستور می‌دهد که پروردگاران را بشناسیم و از اسماء و صفات او اطلاع پیدا نماییم، خداوند خطاب به پیامبرش می‌فرماید:

﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ﴾ [محمد: ۱۹].

«بدان که قطعاً هیچ معبودی جز الله وجود ندارد. برای گناهان خود و مردان و زنان مؤمن آمرزش بخواه».

هر انسانی باید بداند که هیچ معبودی جز «الله» وجود ندارد، و «الله» ذاتی است دارای صفات سمیع، علیم، غفور، رحیم، عزیز، حکیم، غنی، حمید و سایر صفات والا، خداوند می‌فرماید:

﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۴۴].

«و در راه خدا بجنگید و بدانید که خداوند شنوا و دانا است».

و می‌فرماید:

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [المائدة: ۹۸].

«بدانید که خداوند دارای مجازات شدید است، و در عین حال بس آمرزنده و مهربان است».

و می‌فرماید:

﴿وَأَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۶۰].

«و بدان که خداوند چیره و باحکمت است».

و می‌فرماید:

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَنِّي حَمِيدٌ﴾ [البقرة: ۲۶۷].

«و بدانید که خداوند بی‌نیاز و شایسته ستایش است».

خداوند متعال در بزرگترین سوره و آیات قرآن پیرامون صفات و افعال خود توضیح داده است.

در حدیث آمده که پیامبر ﷺ فرمود: سوره‌ی اخلاص برابر با یک سوم قرآن است، و آیه‌ی الکرسی بزرگترین آیه‌ی قرآن می‌باشد، و در همین آیه و سوره دربارہ‌ی خداوند و صفاتش سخن به میان آمده است:

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝۱ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝۲ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝۳ وَلَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ ۝۴﴾ [الاخلاص: ۱-۴].

«بگو: خدا، یگانه و یکتا است. خداوند، سرورِ والای برآورنده‌ی امیدها و برطرف کننده‌ی نیازمندیها است. نه زاده است و زاده نشده است. و کسی همتا و همگون او نمی‌باشد».

این سوره، بیانگر وحدانیت برای ذات الهی است، که هیچ شبیه، نظیر و شریکی ندارد و از زن و فرزند پاک است.

آیه الکرسی این آیه است:

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ [البقرة: ۲۵۵].

«خدایی جز الله وجود ندارد و او زنده و پایدار (و جهان هستی را) نگهدار است. او را نه چرتی و نه خوابی فرا نمی‌گیرد (و همواره بیدار است و سستی و رخوت بدو راه ندارد). از آن اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است (و در ملک کائنات، او را انبازی نیست). کیست آن که در پیشگاه او میانجیگری کند مگر با اجازه او؟ می‌داند آنچه را که در پیش روی مردمان است و آنچه را که در پشت سر آنان است (و مطلع بر گذشته و حال و آینده، و آگاه بر بود و نبود جهان است و اصلاً همه زمانها و مکانها در پیشگاه علم او یکسان است. مردمان چیزی از علم او را فراچنگ نمی‌آورند جز آن مقداری را که وی بخواهد. (علم و دانش محدود دیگران، پرتویی از علم بی‌پایان و بی‌کران اوست). فرماندهی و فرمانروایی او آسمانها و زمین را دربر گرفته است، و نگاهداری آن دو (برای او گران نیست و) وی را در مانده نمی‌سازد و او بلند مرتبه و سترگ است.»

این آیه درباره‌ی خداوندی سخن به میان آورده، که او تنها معبود زنده‌ای است که خالی از هر گونه نقص و عیبی است، و تنها نگهدار و گرداننده‌ی مستقلی است که به سایر موجودات استقامت و پایداری بخشیده، و به همین لحاظ ﴿لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ﴾ چرت مرحله‌ی قبل از خواب است؛ و او تنها پادشاه است که مالک آسمانها و زمین می‌باشد و بر همه‌ی مخلوقات قدرت و تصرف دارد، و جز با اجازه‌ی وی هیچ کس نمی‌تواند در پیشگاهش به میانجیگری بپردازد، و از گذشته و

حال و آینده‌ی بندگانش باخبر است و بشر نمی‌تواند بیشتر از آنچه که خدا اجازه داده به علم و دانش دست یابد:

﴿وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾

و به این آیه‌ها توجه کنید که پروردگار را به ما معرفی می‌کند، سپس آثار قدرت‌ش را در درون خود ملاحظه کن:

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿۲۲﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۲۳﴾ هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۲۴﴾﴾ [الحشر: ۲۲-۲۴].

«(خدا کسی است که جز او پروردگار و معبودی نیست. آگاه از جهان نهان و آشکار است (و ناپیدا و پیدا در برابر دانش اش یکسان است). او دارای مرحمت عمومی (در این جهان، در حق همگان)، و دارای رحمت خصوصی (در آن جهان، نسبت به مؤمنان) است. خدا کسی است که جز او پروردگار و معبودی نیست. او فرمانروا، منزه، بی‌عیب و نقص، امان دهنده و امنیت بخشنده، محافظ و مراقب، قدرتمند و چیره، بزرگوار و شکوهمند، و والامقام و فرازمند است. خداوند از چیزهایی که با او شریک قرار می‌دهند پاک است. او خداوندی است که سازنده‌ی هستی و آفریدگار آن از نیستی و صورتگر جهان است. دارای نامهای نیک و زیباست. هر آنچه که در آسمانها و زمین هستند، تسبیح و تقدیس او را می‌گویند، و او چیره‌کار با حکمتی است.»

قرآن برخی از صفات پروردگار را به طور مفصل برای ما توضیح داده، تا بر درون ما مسلط گردد و تمام اطراف آن را فرا گیرد؛ به عنوان نمونه وقتی که درباره‌ی علم

خداوند بحث می‌کند، با علم گسترده و فراگیری روبرو می‌شویم که تمام زندگی و موجودات را فرا گرفته و تاریکی‌ها و پرده‌ها را پاره نموده و به اعماق درون دست یافته است، و از نظر علم او بزرگ و کوچک مساوی و یکسان هستند:

﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ رَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلْمَتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٥٩﴾ وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُمْ بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٦٠﴾﴾ [الأنعام: ۵۹-۶۰].

«گنجینه‌های غیب و کلید آنها در دست خداست و کسی جز او از آنها آگاه نیست. و خداوند از آنچه در خشکی و دریا است باخبر است. و هیچ برگی (از گیاهی و درختی) فرو نمی‌افتد مگر این که از آن باخبر است. و هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های (درون) زمین، و هیچ چیز تر و یا خشکی نیست که فرو افتد، مگر این که (خدا) از آن آگاه، و در علم خدا پیدا است و) در لوح محفوظ ضبط و ثبت است. خداوند است که در شب شما را می‌میراند و در روز شما را برمی‌انگیزاند و او می‌داند که در روز (که زمان عمده جنب و جوش و تلاش و کوشش است) چه می‌کنید و چه فراعین می‌آورید (و این مرگ و زندگی خواب و بیداری نام، پیوسته ادامه دارد) تا مهلت معین (زندگی هرکس با فرا رسیدن مرگ او) بسر آید. سپس (در روز رستاخیز همگان) به سوی خدا برمی‌گردید و آن گاه شما را بدانچه (از خوب و بد در دنیا) می‌کردید باخبر می‌گرداند (و پاداش و پادافره اعمال را به صاحبان آنها می‌رساند)».

در جای دیگری می‌فرماید:

﴿يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ ﴿٦١﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا

السَّاعَةَ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عِلْمُ الْغَيْبِ لَا يُعْزَبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿٣﴾ [سبأ: ۲-۳].

«می‌داند آنچه را که به زمین وارد می‌شود، و آنچه را که از آن خارج می‌شود، و آنچه را که از آسمان پائین می‌آید، و آنچه را که به سوی آن بالا می‌رود، و او مهربان و بخشاینده است. کافران می‌گویند: قیامت هرگز برای (حساب و کتاب و سزا و جزای) ما برپا نمی‌شود. بگو: چرا، به پروردگرم سوگند! آن کسی که دانای راز (نهان در گستره جهان) است، قیامت به سراغ شما می‌آید (و خدا به اعمال شما رسیدگی می‌نماید). به اندازه سنگینی ذره‌ای، در تمام آسمانها و در زمین از او پنهان و نهان نمی‌گردد، و نه کمتر از اندازه ذره و نه بزرگتر از آن، چیزی نیست مگر این که در کتاب آشکاری ثبت و ضبط و نگهداری می‌شود.»

﴿اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ ﴿٨﴾ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ ﴿٩﴾ سَوَاءٌ مِّنْكُمْ مَّنْ أَسَرَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ ﴿١٠﴾﴾ [الرعد: ۸-۱۰].

«خدا می‌داند که هر زنی (در شکم خود) چه چیز حمل می‌کند (و بار او پسر یا دختر است، و وضع جسمانی و روحانی، و کیفیت و کمیت استعدادها و نیروهای بالقوه در او چگونه است)، و می‌داند که رحما از چه چیز می‌کاهند و بر چه چیز می‌افزایند (و فعل و انفعالات دوران عادی و قاعدگی و آبستنی آنها چگونه بوده و زمان حاملگی و زایمان چه وقت و چقدر و بر چه منوال است)، و هر چیز در نزد او به مقدار و میزان است (و از اندازه معین و حساب مشخص برخوردار است). خدا آگاه از جهان پنهان (از دید و دانش مردمان) و آگاه از جهان دیدنی (و آشکار در برابر چشم و علم ایشان) است، و بزرگوار و والا است. کسی که از شما سخن را

پنهان می‌دارد، و کسی که سخن را آشکار می‌سازد، و آن که در روز (به دنبال کار خود) روان می‌گردد، (برای خدا بی تفاوت و) یکسان می‌باشند (و خداوند از اوضاع و احوال و رفتار و کردارتان، هرگونه که بوده و هر جا و هر زمان که باشد آگاه است)».

پروردگار همچنانکه صفات خود را برای ما بازگو نموده درباره ی افعالش نیز توضیح داده است؛ افعال بگونه‌ای است که با نفس و درون انسان درمی‌آمیزد و روح او را اسیر خود قرار می‌دهد، از این رو وقتی انسان به آیات قرآن گوش فرا می‌دهد در جهان هستی پرواز نموده و از فرآورده‌های الهی بازدید می‌نماید، و چنان او را به خود جذب می‌کند گویی برای اولین بار است که به هستی می‌نگرد، و ناگهان قلب انسان به خداوند می‌پیوندد، نفس به خشوع می‌افتد، چشم اشک می‌ریزد و زبان به تسبیح مشغول می‌گردد:

﴿قَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٩٦﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ التُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٩٧﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ ﴿٩٨﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتٍ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرَجُ مِنْهُ حَبًّا مَّتْرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَبِهٍ ۗ نَنْظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَُمْ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٩٩﴾﴾ [الأنعام: ٩٦-٩٩].

«اوست که صبح (سیمین را از شب قیرین) پدیدار ساخته است (تا زندگان برای کسب معاش به تلاش ایستند) و شب را مایه آرامش (و آسایش جسم و جان)، و خورشید و ماه را وسیله حساب (مردمان در امور روزمره عبادی و تجاری خود)

کرده است. این (نظم بدیع و نظام استوار) سنجش دقیق و تدبیر محکم (دادار بلند مرتبه است که) چیره (بر جهان و) آگاه (از همه چیز آن) است. و او آن کسی است که ستارگان را برای شما آفریده است تا (در شبهای سفر) در تاریکیهای خشکی و دریا بدانها رهنمود شوید. ما آیات (قرآنی و نشانه‌های جهانی خود) را برای کسانی بیان داشته‌ایم که (معانی آیات قرآنی و نشانه‌های جهانی را) می‌دانند. و او کسی است که شما را از یک شخص آفریده است که (آدم است و او هم از خاک زمین است و زمین هم در مدت حیات) محلّ استقرار و (پس از مرگ) محلّ تسلیم (به خاک شما) است. ما آیات (قرآنی و نشانه‌های جهانی خود) را برای کسانی بیان داشته‌ایم که (آیات قرآنی و نشانه‌های جهانی را چنان که باید) می‌فهمند. و او کسی است که از (ابر) آسمان، آب (باران) فرو می‌فرستد، و ما (که خداییم، با قدرت سترگ خود) به وسیله آن آب، همه رُستنیها را می‌رویانیم و از رُستنیها سبزینه بیرون می‌آوریم، و از آن سبزینه، دانه‌های تنگاتنگ یکدیگر، و از شکوفه‌های درخت خرما خوشه‌های آویزان نزدیک بهم و در دسترس، و باغهای انگور و زیتون و انار پدید می‌سازیم که (در شکل و مزه و بو و سود) همگون و یا غیرهمگونند. بنگرید به میوه ی نارس و رسیده یکایک آنها، آن گاه که میوه دادند. بیگمان در این (گوناگونی درونی و بیرونی و تغییر آغاز و انجام میوه‌ها) نشانه‌ها و دلایل (خداشناسی) است برای کسانی که (حق را می‌پذیرند و بدان) ایمان می‌آورند».

در جای دیگری می‌فرماید:

﴿وَاللّٰهُمَّ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٥﴾
 وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ ﴿٦﴾ وَتَحْمِلُ أَنْفَالَكُمْ
 إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بَلِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ
 ﴿٧﴾ وَالْحَيْلُ وَالْبَعَالُ وَالْحَمِيرُ لِيُرْكَبُوهَا وَزِينَةٌ وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨﴾
 وَعَلَىٰ اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَيْنَكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩﴾ هُوَ
 الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ

﴿۱۱﴾ يُنْبِئُكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿۱۱﴾ وَسَخَّرَ لَكُمْ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿۱۲﴾ وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ﴿۱۳﴾ وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاجِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۚ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۱۴﴾ [النحل: ۵-۱۴].

«و چهارپایان (چون گاو و شتر و بز و گوسفند) را آفریده است که در آنها برای شما، وسیله گرما در برابر سرما، از قبیل پوشیدنی و گسترده‌ی ساخته از پشم و مویشان) و سودهایی (حاصل از نسل و شیر و سواری و غیره) موجود است و از (گوشت) آنها می‌خورید (و در حفظ حیات خود می‌کوشید). و برایتان در آنها زیبایی است بدان‌گاه که آنها را (شامگاهان از چرا) باز می‌آورید و آن‌گاه که آنها را (بامدادان به چرا) سر می‌دهید. آنها بارهای سنگین شما را به سرزمین و دیاری حمل می‌کنند که جز با رنج دادن فراوان خود بدان نمی‌رسیدید. بی‌گمان پروردگارتان (که اینها را برای آسایشتان آفریده است) دارای رأفت و رحمت زیادی (در حق شما) است. و (خدا) اسبها و استرها و الاغها را (آفریده است) تا بر آنها سوار شوید و زینتی باشند (که به دل‌هایتان شادی بخشد، و خداوند) چیزهایی را (برای حمل و نقل و طی مسافتات) می‌آفریند که (شما هم اینک چیزی از آنها) نمی‌دانید. (هدایت مردمان به) راه راست بر خدا است، (راهی که منتهی به خیر و حق می‌گردد)، و برخی از راهها منحرف و بیراهه است (و منتهی به نیکی و حقیقت نمی‌گردد). و اگر خدا می‌خواست همه شما را (به اجبار به راه راست) هدایت می‌کرد (و نعمت اختیار و آزادی اراده و انتخاب را به شما انسانها نمی‌داد، و لذا همچون حیوانات راهی را بیشتر نمی‌پیمودید و ترقی و تکاملی پیدا نمی‌کردید). او کسی است که از آسمان آبی فرو فرستاده است (که مایه حیات

است) و شما از آن می‌نوشید (و زلال و گوارایش می‌یابید) و به سبب آن گیاهان و درختان می‌رویند و شما حیوانات خود را در میان آنها می‌چرانید. خداوند به وسیله آن (آب) زراعت و (درختان) زیتون و خرما و انگور و همه ی میوه‌ها را برای شما می‌رویاند. بی‌گمان در این (کار آفرینش میوه‌های رنگارنگ و محصولات کشاورزی گوناگون) نشانه روشنی است (از خدا) برای کسانی که (درباره نیروی آفریننده آنها) بیندیشند (و با چشم بینش و خرد به جهان گیاهان بنگرند). و خدا شب و روز و خورشید و ماه را برای (مصالح و منافع) شما مسخّر کرد، و ستارگان به فرمان او مسخّر (و برای راهیابی شما در دل تاریکیها، در چرخش و گردش) هستند. مسلماً در این کار (آفریدن و مسخّر کردن) دلایل روشن و نشانه‌های بزرگی (بر قدرت و عظمت خدا) است برای کسانی که تعقل می‌ورزند (و در پرتو خرد به کارها می‌نگرند). و چیزهایی را مسخّر شما گردانیده است که در زمین برای شما به رنگهای مختلف و در انواع گوناگون آفریده است. مسلماً در این (کار تسخیر و آفرینش) دلیل واضح و نشانه ی روشنی (بر قدرت و عظمت خدا) است برای مردمی که عبرت می‌گیرند (و از دیدن این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود می‌اندیشند و به سجود می‌افتند). و اوست که دریا را مسخّر (شما) ساخته است تا این که از آن گوشت تازه بخورید و از آن زیوری بیرون بیاورید که بر خود می‌پوشید (و خویشتن را بدان می‌آرایید و حس زیبایی را اشباع می‌نمایید) و (توای انسان!) کشتیها را می‌بینی که (سینه) دریا را می‌شکافند و (امتع و اقوات را بدینجا و آنجا می‌رسانند. خدا این نعمت را به شما داد) تا شما فضل او را بجوید (و از دریا در مسیر تجارت استفاده نمایید) و سپاسگزاری کنید».

ایمان به خدا وسیله‌ی کشف اسرار و تعیین جهت

شناخت خدا از طریق صفات و افعالش نقطه ی شروع صحیحی در زندگی انسان می‌باشد، هرگاه انسان به این نقطه دست یافت از برکتهای هنگفتی بهره‌مند

شده است؛ زیرا به سوی پروردگارش راه یافته و هدایت را کسب نموده، از این رو گامهایش را بر راهی درست می‌نهد و در نهایت به عاقبتی نیک که بهشت ابدی است دست می‌یابد؛ شناخت خدا و آگاهی از وی ما را به خدا می‌رساند و نفس و درون ما را آراسته و بی‌عیب می‌گرداند، سپس جهان هستی و پدید آورنده‌ی اصلی را به ما معرفی می‌کند. ایمان به خدا پرده از اسرار جهان برمی‌دارد و اهداف جهان هستی و انسان را به ما معرفی می‌نماید.

امام بخاری کار بسیار زیبایی را انجام داده که کتاب جامع صحیح خود را -که بعد از قرآن صحیح‌ترین کتاب است- با کتاب وحی شروع نموده است؛ زیرا وحی تنها راه با امنیت شناخت حقایق زندگی است، پس اگر به خداوند ایمان داشته باشید و او را تصدیق نمایید و از قوانین او پیروی کنید بسیاری از اسرار هستی آشکار می‌گردد.

کسانی که وحی خدا را کنار گذاشته‌اند در دنیایی متلاطم و پر از آشوب زندگی را سپری می‌کنند، و آرامش و آسایش را از دست داده‌اند؛ امروزه بشریت با تمام نیرو و توان خود از پدیدآورنده‌ی اصلی می‌گردد و از اهداف هستی دقت می‌نماید اما هنوز گمراه و سرگردان هستند، و از ارتباط زن و مرد و وظیفه‌ی پول و ثروت و اداره کردن امور سیاسی مردم تحقیق می‌نمایند اما به هیچ دستاویزی راه نیافته‌اند؛ زیرا آنها از نظریات و افکاری متناقض پیروی می‌کنند، و را به جایی رسانیده‌اند که اعلام دارند جهان هستی بدون آفریدگار پدید آمده و زندگی دنیا هدف و مقصد اصلی انسان است و ارتباط زن و مرد بر ردایل بنیان شده و وظیفه‌ی مال و ثروت این است که در سود و رباهای هنگفت بکار گرفته شود؛ این‌گونه نظریه‌ها هر روز در غرب و شرق تغییر پیدا می‌کند، و چه زیبا گفته خداوند آنجا که می‌فرماید:

﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الظُّلُمَاتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۵۷﴾ [البقرة: ۲۵۷].

«خداوند متولی و عهده‌دار (امور) کسانی است که ایمان آورده‌اند. ایشان را از تاریکی‌های (زمخت گمراهی شک و حیرت) بیرون می‌آورد و به سوی نور (حق و اطمینان) رهنمون می‌شود. و (اما) کسانی که کفر ورزیده‌اند، طاغوت (شیاطین و داعیان شرّ و گمراهی) متولی و سرپرست ایشانند. آنان را از نور (ایمان و فطرت پاک) بیرون آورده به سوی تاریکیهای (زمخت کفر و فساد) می‌کشانند. اینان اهل آتشند و در آنجا جاویدانه می‌مانند».

ظلمات (تاریکیها) همان نظریه‌ها و علومی هستند که برای انسان برنامه‌ریزی شده و هیچ ارتباطی با روش انسان ساز الهی ندارند.

مسلمان به خدا ایمان دارد و از طریق پیامبران قوانین خود را از او فرا می‌گیرد؛ ما خود و خدایمان و راه و منش و جهان پیرامونمان را می‌شناسیم، از این رو تضاد افکاری که بنیان جوامع انسانی را به لرزه درآورده بود به قانونی هماهنگ و همخوان با جامعه‌ی انسانی تبدیل می‌گردد و تمامی آن تراژدیهای که موجب بلا و مصیبت‌های خانمان سوز شده بودند ریشه کن خواهند شد، و همچنین تمام دیدگاهها و قوانینی که جامعه را دچار تفرقه و پراکندگی نموده بود خاموش و نابود می‌گردند و در نهایت هر چیزی به جایگاه خود باز می‌گردد و جامعه‌ی انسانی به ملتی متحد و یکپارچه تبدیل می‌شود، همچنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ﴾ [المؤمنون: ۵۲].

«(و بدیشان گفتیم: به اقوام خود برسازند که) این (پیغمبران بزرگی که بدانان اشاره شد، همگی) ملت یگانه‌ای بوده (و آئین واحد و برنامه یکتایی دارند) و من پروردگار همه‌ی شما هستم».

بنابراین پیروان توحید با وجود اختلاف زمان، محل زندگی و رنگهای مختلف یک امت را تشکیل می‌دهند.

«خداوند» محور همه‌ی فعالیت‌ها

لازم است بدانیم که شناخت خدا کافی نیست، بلکه باید خداوند را به عنوان هدف اصلی قرار دهیم، و فعالیت‌های انسانی در مسیری معین و مشخص حرکت کنند تا آغاز و انجام همه‌ی کارها با هم هماهنگ و سازگار شوند؛ اصل اولی که پیرامون آن گفتگو کردیم شناخت خدا است، و اصل دومی که بر اصل نخست بنیان می‌شود این است که تنها به او روی آورده شود. زندگی بدون آن ناهماهنگ و ناموزن است، و این نتیجه‌ای عقلانی برای کسی است که خدا را به عنوان پروردگار و آفریننده قبول نموده و به صفات و افعال او ایمان آورده است؛ چگونه اعلام می‌داریم خداوند کسی است که ما و جهان هستی را به وجود آورده و روزی را برایمان فرستاده اما به دیگری روی می‌آوریم و از قوانین دیگری پیروی می‌کنیم؟! براستی که این‌گونه افکار بسیار متضاد و متناقض بوده و با عقل سلیم و بیدار ناسازگاراند.

جامعه‌ی بشری بسیاری اوقات با این تناقضات روبرو گشته است، برخی از مردم اعتراف کرده‌اند که خداوند پروردگار، آفریننده و روزی دهنده‌ی آنهاست، اما در برابر جلال و عظمت وی سر تعظیم فرود نیاورده و پاکی او را بیان ننمودند، و به او اعتماد و توکل نکرده‌اند، بلکه دیگران را مورد تقدیس و تعظیم قرار داده‌اند و از کسی کمک خواسته‌اند که شایسته‌ی یاری جستن نیست، و تنها پیام‌بران الهی برای اقوام و پیروانشان این بوده که آن معبودهای ساختگی سزاوار عبادت را ندارند و تنها معبودی که شایسته‌ی پرستش می‌باشد خداوند بلند مرتبه است؛ زیرا او تنها آفریدگاری است که روزی دهنده، زنده، شنونده و بیناست و مرگ و زندگی در اختیار اوست، ابراهیم علیه السلام در مورد خدایان دروغین با قوم خود این چنین به بحث و گفتگو نشست:

﴿إِذْ قَالَ لِأَيُّهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ ﴿۷۰﴾ قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَنْظِلُ لَهَا عَافِيَةً ﴿۷۱﴾ قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ ﴿۷۲﴾ أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ ﴿۷۳﴾ قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿۷۴﴾ قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿۷۵﴾ أَنْتُمْ وَعَبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ ﴿۷۶﴾ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿۷۷﴾ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ﴿۷۸﴾ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ﴿۷۹﴾ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ﴿۸۰﴾ وَالَّذِي يُمَيِّتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ ﴿۸۱﴾ وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ ﴿۸۲﴾﴾ [الشعراء: ۷۰-۸۲].

«هنگامی که به پدرش (آزر) و قوم (بت پرست) خود گفت: چه چیز را پرستش می‌کنید؟ (چیزهایی را که می‌پرستید، کی شایسته پرستش می‌باشند؟) (مفتخرانه پاسخ دادند و) گفتند: بتهای بزرگی را می‌پرستیم و دائماً (به پرستش آنها می‌پردازیم و) بر عبادتشان ماندگار می‌مانیم. گفت: آیا هنگامی که آنها را به کمک می‌خوانید، صدای شما را می‌شنوند و نیازتان را برآورده می‌کنند؟ یا سودی به شما می‌رسانند (اگر از آنها اطاعت کنید؟) و یا زبانی متوجه شما می‌سازند (اگر از آنها سرپیچی نمایند؟) می‌گویند: (چیزی از این کارها را نمی‌توانند بکنند) فقط ما پدران و نیاکان خود را دیده‌ایم که این چنین می‌کردند (و بتان را به گونه ما پرستش می‌نمودند و ما هم از کارشان تقلید می‌کنیم و بس. مگر می‌شود پدران و نیاکان ما در اشتباه بوده باشند؟) آیا (می‌دانید که چه کار می‌کنید و) می‌بینید که چه چیز را می‌پرستید؟! هم شما و هم پدران پیشین شما. همه آنها دشمن من هستند (آنهايي که شما معبود خود می‌دانید) جز پروردگار جهانیان. (پروردگار جهانیانی) که مرا آفریده است، و هم او مرا (به سوی سعادت دنیا و آخرت) راهنمایی می‌سازد (و در سراسر زندگی من حضور دارد و لحظه‌ای از من غافل نیست). آن کسی است که او مرا می‌خوراند و می‌نوشاند. و هنگامی که بیمار شوم اوست که مرا شفا می‌دهد. و آن کسی است که (چون اجلم فرا رسید) او مرا می‌میراند و سپس (در رستاخیز

برای حساب و کتاب و جزا و سزا) مرا زنده می‌گرداند. و آن کسی است که امیدوارم در روز جزا و سزا (که قیامت برپا است) گناهم را ببامرزد)».

براستی که اینها شایسته‌ی عبادت نیستند؛ زیرا هیچ فریادی را نمی‌شنوند و نمی‌توانند هیچ گونه سود و ضرری برسانند، و تنها خداوند سزاوار پرستش است؛ زیرا اوست که می‌خورد و می‌نوشاند، بیماران را شفا می‌دهد، مرگ و زندگی در اختیار اوست، گناهان را می‌آمرزد و از اشتباهات درمی‌گذرد. خداوند به پیامبرش محمد ﷺ دستور داد با مشرکین مکه رویارویی نماید و بی‌پروا اظهار نموده خدایان آنها شایسته‌ی هیچ یک از آن عبادتها نبوده و تنها خدای یگانه استحقاق تمامی آن عبادتها را دارد:

﴿قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ ۗ ءَآلَهُ خَيْرٌ مَّا يُشْرِكُونَ ﴿۵۹﴾ أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ ۖ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَّا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُثْبِتُوا شَجَرَهَا ۗ ءَآلَهُ مَعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ ﴿۶۰﴾ أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا ۗ ءَآلَهُ مَعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۶۱﴾ أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ ۗ ءَآلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿۶۲﴾ أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيْحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۗ ءَآلَهُ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۶۳﴾ أَمَّنْ يَبْدُوهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ يَرِزُّكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۗ ءَآلَهُ مَعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۶۴﴾﴾ [النمل: ۵۹-۶۴].

«(ای پیغمبر!) بگو: خدای را سپاس (می‌گویم که تباهاکاران همچون قوم ثمود و گردنکشان همسان فرعونیان را به دیار عدم فرستاد، و از خدا درخواست می‌نمایم

که نازل فرماید) رحمت و مغفرت خود را بر بندگان برگزیده خویش. آیا خدا (که این همه قدرت و نعمت و موهبت دارد) بهتر است (برای پرستش و کرنش) یا چیزهایی که انباز خدا می‌سازید (و فاقد نفع و ضرر هستند و چیزی از آنها ساخته نیست؟). (آیا بتهایی که معبود شما هستند بهترند) یا کسی که آسمانها و زمین را آفریده است، و برای شما از آسمان آبی بارانده است که با آن باغهای زیبا و فرح‌افزا رویانیده‌ایم؟ باغهایی که شما نمی‌توانستید درختان آنها را برویانید. آیا (با توجه به آفرینش آسمانها و زمین و نزول باران و برکات و ثمرات ناشی از آن، و هماهنگی و پیوند لطیف و دقیق هر یک از این مخلوقات) معبودی با خداست؟! اصلاً ایشان قومی هستند (از حق پرستی به بت پرستی) عدول می‌کنند. (بتها بهترند) یا کسی که زمین را قرارگاه (و محلّ اقامت انسانها) ساخته است، و در میان آن رودخانه‌ها پدید آورده است، و برای زمین کوههای پابرجا و استوار آفریده است (تا قشر زمین را از لرزش نگاه دارند) و میان دو دریا مانعی پدیدار کرده است (تا آمیزه یکدیگر نگردند. حال با توجه به اینها) آیا معبودی با خدا است؟! اصلاً بیشتر آنان بی‌خبر و نادانند (و قدر عظمت خدا را نمی‌دانند). (آیا بتها بهترند) یا کسی که به فریاد درمانده می‌رسد و بلا و گرفتاری را برطرف می‌کند هر گاه او را به کمک طلبد، و شما (انسانها) را (برابر قانون حیات دایماً به طور متناوب) جانشین (یکدیگر در) زمین می‌سازد (و هر دم اقوامی را بر این کره خاکی مسلط و مستقر می‌گرداند. حال با توجه بدین امور) آیا معبودی با خدا است؟! واقعاً شما بسیار کم اندرز می‌گیرید. (آیا بتهای بی‌جان بهترند) یا کسی که شما را در تاریکیهای خشکی و دریا رهنمود (و دستگیری) می‌کند، و کسی که بادها را به عنوان بشارت دهندگان، پیشاپیش نزول رحمتش وزان می‌سازد (و آنها را پیک قدوم باران می‌سازد. در ساختن و راه‌اندازی اینها) آیا معبودی با خدا است؟ خدا فراتر و دورتر از این چیزهایی است که انباز او می‌گردانند. (آیا معبودهای دروغین شما بهترند) یا کسی که آفرینش را می‌آغازد، سپس آن را برگشت می‌دهد، و کسی که شما را از آسمان و زمین روزی عطاء می‌کند؟ (حال با توجه به قدرت آفرینش یزدان، و نظم و نظام

موجود در پدیده‌های جهان، و اقرار عقل سالم به زنده شدن دوباره مردمان در دنیای جاویدان) آیا معبودی با خدا است؟ (ای پیغمبر بدیشان) بگو: دلیل و برهان خود را بیان دارید اگر راست می‌گویید (که جز خدا معبودهای دیگری هم وجود دارند)».

بنابراین وقتی خداوند به تنهایی مسئول همه‌ی این کارهاست، پس تنها او شایسته‌ی پرستش است، و تنها روشی که با زندگی انسان سازگار می‌باشد همان است که خداوند برای مردم فرو فرستاده تا در زندگی خصوصی و عمومی خود طبق آن حرکت نمایند. تنها کسانی حق توحید و یگانه پرستی را رعایت نموده‌اند که خدا را شناخته و به او روی آورده و از او پیروی و تبعیت نموده‌اند، و این همان راهی است که انسان را از یوغ خدایان ساختگی بی‌شماری نجات می‌دهد:

﴿أَرْبَابٌ مُّتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ﴾ [یوسف: ۳۹].

«آیا خدایان پراکنده (و گوناگونی که انسان باید پیرو هر یک از آنها شود) بهترند یا خدای یگانه چیره (بر همه چیز و همه کس؟)».

انسان از طریق اسماء و صفات، خدا را می‌شناسد و تنها به او روی می‌آورد، بنابراین خود را با بزرگ‌ترین و با ارزش‌ترین موضوع مشغول می‌نماید و همه‌ی شوق و علاقه‌اش را متوجه خدای یگانه می‌کند، از این رو او را دوست دارد و امیدش به اوست، به او اعتماد و توکل می‌کند، و تنها در راه کسب رضایت او گام برمی‌دارد. پروردگارا! تنها برای تو سجده می‌بریم و همه‌ی تلاش و کوشش ما تنها برای تو است:

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الأنعام: ۱۶۲].

«بگو: نماز و عبادت و زیستن و مردن من از آن خدایی است که پروردگار جهانیان است (و این است که تنها خدا را پرستش می‌کنم و کارهای این جهان خود را در مسیر رضایت او می‌اندازم و بر بذل مال و جان در راه یزدان می‌کوشم و در این راه می‌میرم، تا حیاتم ذخیره مواتم شود)».

آری، انسان با توجه به آموزه‌های خداوند به عنوان محور علم، فکر و عمل بر می‌گزیند؛ محور زندگانی، پیامبران و نیکان بوده، و اگر در قرآن به مسیر حرکت پیامبران و فرستادگان الهی بنگرید، می‌فهمید که هدف از بعثت همه‌ی پیامبران پیرامون این موضوع بوده است:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾ [الأنبياء: ۲۵].

«ما پیش از تو هیچ پیغمبری را نفرستاده‌ایم، مگر این که به او وحی کرده‌ایم که: معبودی جز من نیست، پس فقط مرا پرستش کنید».

خداوند به رسول خدا ﷺ چنین دستور داد که:

﴿قُلْ إِنَّمَا يُوحِي إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۸].

«(بگو): (اصل دعوت من این است:) به من وحی می‌شود که معبود شما یکی نیست (و بقیه چیزهای دیگری که به من وحی می‌گردد، تابع همین اصل اساسی توحید است). حال که چنین است، آیا شما تسلیم (خداوند یگانه) می‌گردید (و بت‌های سنگی و معبودهای طاغوتی را کنار می‌گذارید؟)».

توحید محور قرآن است

کسی که قرآن را به دقت مورد بررسی قرار دهد منظور این آیه را خواهد فهمید؛ زیرا تمام قرآن بیانگر توحید است، و هر آنچه به پیامبرش ﷺ وحی نموده در یکتاپرستی گنجانده شده است. بنابراین قرآن یا اسماء و صفات خداوند را بیان می‌نماید و یا بندگان را به عبادت خدای یگانه فرا می‌خواند. (و این دو روی سکه‌ی توحید است: توحید اعتقادی که خدا و افعال او را توصیف می‌کند و توحید عملی

که بندگان را تنها به سوی پروردگارشان راهنمایی می‌نماید)، و یا دستورات و امور نهی شده‌ای اطاعت و فرمانبرداری از خداوند است و این از مهم ترین ضروریات توحید است، و یا از اکرام یکتاپرستان در دنیا و پاداش آنها در آخرت در مقابل حفظ توحید سخن به میان آورده، و یا از سختی و ناراحتیهای مشرکین در دنیا و عذاب و دردهای آخرت آنها بخاطر شرک ورزیدنشان خبر داده است. پس قرآن تنها پیرامون توحید و یگانه پرستی بحث می‌نماید:

﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ ۚ أَحَدًا﴾ ﴿١١٠﴾ [الكهف: ١١٠].

«(ای پیغمبر!) بگو: من فقط انسانی همچون شما هستم (و امتیاز من این است که من پیغمبر خدایم و آنچه گفت: بگو؛ می‌گویم) و به من وحی می‌شود که معبود شما یکی است و بس. پس هرکس که خواهان دیدار خدای خویش است، باید که کار شایسته کند، و در پرستش پروردگارش کسی را شریک قرار ندهد».

کسی که خدا ندارد هیچ چیزی ندارد

توحید نقطه‌ی شروع و پایان زندگانی انسان مسلمان و امت اسلامی است و کسی که از توحید روبرتابد در دنیا و آخرت زیان می‌بیند در حقیقت او از الاغ گمراه‌تر است، پس زندگانی سختی را سپری می‌کند و کیفر اعمالش را خواهد چشید و گناهانش مورد بخشش واقع نمی‌شوند و سرانجام با شقاوت و بدبختی روبرو خواهد شد:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ ۖ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ ۚ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا﴾ ﴿٤٨﴾ [النساء: ٤٨].

«بی‌گمان خداوند (هرگز) شرک به خود را نمی‌بخشد، ولی گناهان جز آن را از

هرکس که خود بخواند می‌بخشد. و هر که برای خدا شریکی قائل گردد، گناه بزرگی را مرتکب شده است».

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ [النساء: ۱۱۶].

«بی‌گمان خداوند شرک ورزیدن به خود را (از کسی) نمی‌آمرزد و بلکه پایین‌تر از آن را از هرکس که بخواند (و صلاح بداند) می‌بخشد. هر که برای خدا انباز بگیرد، به راستی بسی گمراه گشته است (و خیلی از حق پرت شده است)».

﴿حُقَّعَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا حَرَّمَ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَّفَهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوَى بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ﴾ [الحج: ۳۱].

«حقگرا و مخلص خدا باشید، و هیچ‌گونه شرکی برای خدا قرار ندهید. زیرا کسی که برای خدا انبازی قرار دهد، انگار (به خاطر سقوط از اوج ایمان به حضيض کفر) از آسمان فرو افتاده است (و به بدترین شکل جان داده است) و پرندگان (تکه‌های بدن) او را می‌ربایند، یا این که تند باد او را به مکان بسیار دوری (و دره ژرفی) پرتاب می‌کند (و وی را آن چنان بر زمین می‌کوبد که بدنش متلاشی و هر قطعه‌ای از آن به نقطه‌ای پرت می‌شود)».

و مادام که گناهانشان مورد عفو واقع نشود آنها از بهشت محروم شده و برای همیشه در آتش دوزخ باقی خواهند ماند:

﴿إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ﴾ [المائدة: ۷۲].

«بی‌گمان هر کس انبازی برای خدا قرار دهد، خدا بهشت را بر او حرام کرده است (و هرگز به بهشت گام نمی‌نهد) و جایگاه او آتش (دوزخ) است».

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتِّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ ﴿٤٠﴾ لَهُمْ مِّنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٤١﴾﴾ [الأعراف: ٤٠-٤١].

«بی‌گمان کسانی که آیات (کتاب‌های آسمانی و نشانه‌های گسترده جهانی) ما را تکذیب می‌کنند و خویششان را بالاتر از آن می‌دانند که بدانها گردن نهند، درهای آسمان بر روی آنان باز نمی‌گردد (و خودشان بی‌ارج و اعمالشان بی‌ارزش می‌ماند) و به بهشت وارد نمی‌شوند مگر این که شتر از سوراخ سوزن خیاطی بگذرد (که به هیچ وجه امکان ندارد، و لذا ایشان هرگز به بهشت داخل نمی‌گردند). این چنین ما گناهکاران را جزا و سزا می‌دهیم. برای آنان (در دوزخ) بستری از آتش و بالاپوشهایی از آتش است. ما این چنین جزا و سزای ستمکاران (گمراه و کفرپیشه) را می‌دهیم.»

در روایتی آمده که پیامبر خدا ﷺ فرمود: در روز قیامت ابراهیم غم و اندوه و افسردگی را بر رخسار پدرش آزر مشاهده می‌کند، آنگاه ابراهیم به او می‌گوید: مگر به شما نگفتم از دستور من سرپیچی مکن؟ آزر می‌گوید: اکنون به فرمان شما گوش فرا می‌دهم. ابراهیم می‌گوید: پروردگارا! تو وعده دادی که در روز واپسین مرا شرمنده نکنی، ولی امروز پدرم را از بهشت محروم می‌گردانی؟ پروردگار می‌فرماید: من هرگز کافران را وارد بهشت نمی‌کنم. سپس به ابراهیم می‌گوید: ای ابراهیم! چه چیزی در کنارت ایستاده است؟ آنگاه ابراهیم گفتاری آلوده و نجس را مشاهده می‌کند (یعنی خداوند پدر ابراهیم را به گفتاری تبدیل می‌نماید تا مردم او را نشناسند و ابراهیم آزرده خاطر نشود) سپس دست و پایش را گرفته و به آتش جهنم می‌اندازند!

خداوند متعال در این زمینه می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ﴾ ﴿۳۴﴾ [محمد: ۳۴].

«کسانی که کافر گردند و مردمان را از راه خدا بازدارند و سپس بمیرند در حالی که کافر باشند، هرگز خداوند ایشان را نخواهد بخشید».

اما یکتاپرستانی که بر توحید باقی ماندند به پاس تلاش و کوششی که در این راه انجام دادند پاداش می‌گیرند و گناهانشان نیز بخشیده خواهد شد:

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ﴿۱۷﴾ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا﴾ ﴿۱۷۸﴾ [الکهف: ۱۰۷-۱۰۸].

«بی‌گمان کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، باغهای بهشت جایگاه پذیرایی از ایشان است. جاودانه در آنجا می‌مانند و تقاضای نقل مکان از آنجا را نمی‌نمایند (و حاضر نیستند آن را با چیزی عوض کنند)».

توحید نخستین مسئولیت دعوته‌گران است

بنابراین اگر توحید چنین مقام والایی دارد و خطر بزرگ شرک را از بین می‌برد، انسان مسلمان باید به دقت آن را شناسایی کند و خود را از شرک نجات دهد، زیرا چنانکه ابن مسعود بیان داشته شرک از خزیدن مورچه نیز پوشیده‌تر و پنهان‌تر است. دعوته‌گران نیز تمام تلاش و کوشش خود را در راستای آگاهی مردم صرف نموده و توحید را به آنها معرفی کنند و خالص نمودن دین برای خدای یگانه را برای آنها تعریف نمایند، و همانند پیامبران توحید را اصل و اساس تمام کارهایشان قرار داده و مشکلات و قضایای مردم را در پیروی از یکتاپرستی بدانند.

شرک هنوز هم ماندگار است

روشهای گوناگون شرک در زندگی جوامع انسانی به وضوح دیده می‌شود. در بسیاری از کشورهای جهان مجسمه، بت، گاو و دیگر حیوانات از احترام ویژه‌ای برخوردار و پرستش می‌شوند. در سرزمینهای اسلامی کسانی یافته می‌شوند که از مردگان یاری می‌جویند و با نذر و قربانی کردن برای آنها و طواف به دور قبرهایشان آنها را مورد پرستش قرار می‌دهند.

شرکی که امروز بسیار رایج است

مصیبت بسیار بزرگ این است که امروزه برخی از انسانها خود را شریک خداوند پنداشته و می‌خواهند همانند او قانون‌گذاری نمایند، و کسانی به پا خواسته و قوانین و برنامه‌هایی مخالف با قوانین الهی را برای انسان تدوین نموده‌اند، براستی که قانونمداران بر حقوق خداوند شورش کرده و بدان تجاوز نموده‌اند:

﴿إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ﴾ [یوسف: ۴۰].

«فرمانروایی از آن خداست و بس. (این، اوست که بر کائنات حکومت می‌کند و

از جمله عقاید و عبادات را وضع می‌نماید)».

و خود را شریک خداوند قرار داده‌اند:

﴿أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِّنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنُ بِهِ اللَّهُ﴾ [الشوری:

۲۱].

«شاید آنان انبازها و معبودهائی دارند که برای ایشان دینی را پدید آورده‌اند که

خدا بدان اجازه نداده است (و از آن بی‌خبر است؟)».

این نشانه‌ی نادانی و گمراهی است:

﴿أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾ [المائدة: ۵۰].

«آیا (آن فاسقان از پذیرش حکم تو بر طبق آنچه خدا نازل کرده است سرپیچی می‌کنند و) جوایب حکم جاهلیت (ناشی از هوی و هوس) هستند؟ آیا چه کسی برای افراد معتقد بهتر از خدا حکم می‌کند؟».

تمام کسانی که این قوانین را وضع نموده‌اند، در مقابل آن سر تسلیم فرود آورده و توحید و ایمان خود را نقض نموده و ستمکارانه ندای توحید سر می‌دهند:

﴿وَيَقُولُونَ ءَأَمَّنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ﴾ [النور: ۴۷].

«(از جمله کسانی که خدا توفیق هدایت قریشیان نفرموده است، منافقانی هستند که پرتو ایمان به دل‌هایشان نتابیده است، ولی دم از ایمان می‌زنند) و می‌گویند: به خدا و پیغمبر ایمان داریم و (از اوامرشان) اطاعت می‌کنیم، اما پس از این ادّعاء، گروهی از ایشان (از شرکت در اعمال خیر همچون جهاد، و از حکم قضاوت شرعی) رویگردان می‌شوند، و آنان در حقیقت مؤمن نیستند».

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَأَمَنُوا بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَّحَكَمُوا إِلَى الظُّلُمَاتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ^ط وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ [النساء: ۶۰].

«(ای پیغمبر!) آیا تعجب نمی‌کنی از کسانی که می‌گویند که آنان بدانچه بر تو نازل شده و بدانچه پیش از تو نازل شده ایمان دارند (ولی با وجود تصدیق کتابهای آسمانی، به هنگام اختلاف) می‌خواهند داوری را به پیش طاغوت ببرند (و حکم او را به جای حکم خدا بپذیرند؟!)). و حال آن که بدیشان فرمان داده شده است که

(به خدا ایمان داشته و) به طاغوت ایمان نداشته باشند. و اهریمن می خواهد که ایشان را بسی گمراه (و از راه حق و حقیقت بدر) کند».

خداوند بلند مرتبه اهل کتاب را مورد نکوهش قرار داده؛ زیرا ایشان از قوانین عالمان دینی و پارسایان خود پیروی نمودند که بر خلاف شریعت الهی پی ریزی شده بود:

﴿اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ﴾
[التوبة: ۳۱].

«یهودیان و ترسایان علاوه از خدا، علمای دینی و پارسایان خود را هم به خدایی پذیرفته اند (چرا که علما و پارسایان، حلال خدا را حرام، و حرام خدا را حلال می کنند، و خودسرانه قانونگذاری می نمایند، و دیگران هم از ایشان فرمان می برند و سخنان آنان را دین می دانند و کورکورانه به دنبالشان روان می گردند. ترسایان افزون بر آن) مسیح پسر مریم را نیز خدا می شمارند».

دعوت توحید خواهان پایبندی به آیین برحق است و این که خدا را به عنوان پروردگار و معبود خود قرار دهیم و در نماز و روزه و دعاها ایمان به او روی آوریم، و اگر در مسایل سیاسی، اقتصادی، آموزشی و... از قوانین او روی گردانیم و در برابر آن تکبر ورزیم با همان گمراهی و انحرافی مواجه می شویم که مشرکین با آن روبرو شده بودند و همراه با خداوند معبودان دیگری را نیز عبادت می کردند.

نشانه های یکتاپرستی

هنگامی که برای برافراشتن پرچمی که از گذشتگان خود تحویل گرفته ایم و در اطراف و اکناف این سرزمین قدم برمی داریم، باید به نکات زیر توجه نماییم:

۱- دعوت مردم به توحید و یگانه پرستی از جهت شناخت خدا در فکر و بیش و از نظر عبادت و پرستش او در کردار و رفتار همان رخداد بزرگ اسلامی

است که در طول تاریخ بشریت کشمکش و اختلاف‌نهای زیادی را به وجود آورده، و همان رسالت پیامبران است که دعوتشان را بر آن بنیان نهاده‌اند، و کسانی که این قضیه را نفهمیده‌اند و از آن روی برتافته‌اند دچار خسارت و ضرر و زیان گشته‌اند.

۲- موضوع توحید و یگانه پرستی به روشهای زیر تحقق می‌یابد:

۱- اینکه پروردگاران را بشناسیم و اقرار نماییم که او آفریدگار ما و جهان هستی و نشانه‌های آن است، و یقین داشته باشیم که او جهان هستی و امور آن را با قدرت و نیروی بی‌پایانش اداره می‌کند، و از همه‌ی مخلوقاتش خبر دارد و هرآنچه که اراده کند به وقوع می‌پیوندد و آنچه که نخواهد هرگز رخ نمی‌دهد:

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ [البقرة: ۲۵۵].

خدایی جز الله وجود ندارد و او زنده پایدار (و جهان هستی را) نگهدار است. او را نه چرتی و نه خوابی فرا نمی‌گیرد (و همواره بیدار است و سستی و رخوت بدو راه ندارد). از آن اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است (و در ملک کائنات، او را انبازی نیست). کیست آن که در پیشگاه او میانجیگری کند مگر با اجازه‌ی او؟ می‌داند آنچه را که در پیش روی مردمان است و آنچه را که در پشت سر آنان است (و مطلع بر گذشته و حال و آینده، و آگاه بر بود و نبود جهان است و اصلاً همه زمانها و مکانها در پیشگاه علم او یکسان است. مردمان چیزی از علم او را فراچنگ نمی‌آورند جز آن مقداری را که وی بخواهد. (علم و دانش محدود دیگران، پرتوی از علم بی‌پایان و بی‌کران او است). فرماندهی و فرمانروایی او آسمانها و

زمین را دربر گرفته است، و نگاهداری آن دو (برای او گران نیست و) وی را درمانده نمی‌سازد و او بلند مرتبه و سترگ است).

خداوند سبحان به پیامبرش محمد ﷺ دستور می‌دهد که پروردگارش را ندا دهد، و به این حقیقت اقرار نموده و این گونه به مناجات پردازد:

﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمَلِكَ مَن تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمَلِكَ مِمَّن تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٦﴾ تُؤَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرزُقُ مَن تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢٧﴾﴾

[آل عمران: ۲۶-۲۷].

«بگو: پروردگارا! ای همه چیز از آن تو! تو هر که را بخواهی حکومت و دارایی می‌بخشی و از هر که بخواهی حکومت و دارایی را بازپس می‌گیری، و هر کس را بخواهی عزت و قدرت می‌دهی و هر کس را بخواهی خوار می‌داری، خوبی در دست تو است و بی‌گمان تو بر هر چیزی توانایی. (بخشی از) شب را جزو روز می‌گردانی (و بدین سبب شبها کوتاه و روزها دراز می‌گردند) و (بخشی از) روز را جزو شب می‌گردانی (و لذا روزها کوتاه و شبها دراز می‌شوند) و زنده را از مرده پدید می‌آوری و مرده را از زنده، و به هر کس که بخواهی بدون حساب روزی می‌بخشی».

۲- اینکه اعتراف نماییم که تنها این خدای آفریدگار، روزی دهنده، تدبیر کننده، توانا و دارای تمام صفات کمال و جلال شایستگی عبادت را دارد.

بسیاری از مردم وجود خدا را باور داشته و اقرار می‌نمایند که او آفریدگار هستی و روزی دهنده است و مرگ و زندگی در اختیار اوست، اما همراه با او دیگران را نیز می‌پرستند. به عنوان نمونه اعراب سرزمین حجاز خدا را می‌پرستیدند و حج می‌کردند و در دعاهایشان او را فرا می‌خواندند، به گمان خود فرزندان ابراهیم و

حاملان دعوت او بودند و اقرار می‌کردند که آفریدگار و روزی دهنده ی آنهاست و مرگ و زندگی شان در اختیار او است، اما همراه با او بت و... را می‌پرستیدند:

﴿وَلَيْنِ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ ﴿٦١﴾﴾ [العنكبوت: ۶۱].

«هر گاه از آنان (که کسانی و یا بتهایی را شریک خدا می‌دانند) بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است، و خورشید و ماه را (برای منافع شما انسانها روان و) مسخر کرده است؟ قطعاً خواهند گفت: خدا! (چرا که می‌دانند که این معبودهای دروغین همه مخلوقند و توانایی آفرینش کائنات و چرخش کرات را نداشته و ندارند)».

﴿قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨٤﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٨٥﴾ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿٨٦﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٨٧﴾ قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُحْيِيهِمْ وَلَا يُجَارِيهِمْ وَلَا يَجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨٨﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ ﴿٨٩﴾﴾ [المؤمنون: ۸۴-۸۹].

«بگو: زمین و کسانی که در زمین هستند از آن کیستند، اگر دانا و فرزانه‌اید؟! (بر اساس ندای فطرت، و بدهت عقل) خواهند گفت: (همه کائنات، و از جمله زمین و ساکنان آن) از آن خدایند. بگو: پس چرا نمی‌اندیشید و یادآور نمی‌گردید (که تنها مالک کائنات شایسته پرستش است و بس؟). بگو: چه کسی صاحب آسمانهای هفتگانه و صاحب عرش عظیم است؟ (آیا ملک کائنات و فرمانروایی بر آنها از آن کیست؟). خواهند گفت: از آن خداست. بگو: پس چرا پرهیزکاری پیش نمی‌گیرید (و خویشتن را از فرجام شرک و کفر و عصیان نسبت به یزدان، صاحب و فرمانده جهان به دور نمی‌دارید؟!). بگو: آیا چه کسی فرماندهی بزرگ همه چیز را در دست دارد (و ملک فراخ کائنات و حکومت مطلقه بر موجودات، از

آن او است؟) و او کسی است که پناه می‌دهد (هر که را بخواهد) و کسی را (نمی‌توان) از (عذاب) او پناه داد، اگر فهمیده و آگاهید؟! خواهند گفت: از آن خداست. بگو: پس چگونه گول (هوی و هوس و وسوسه شیاطین را) می‌خورید و (از حق کناره‌گیری می‌کنید، انگار) جادو و جنبل می‌شوید؟!».

بدون شک این تناقض واضح و آشکاری است، چگونه خدا را به یگانگی و به عنوان آفریدگار و روزی دهنده قبول داشتند و باور داشتند که مرگ و زندگی در اختیار اوست، ولی در عبادت، دعا و کمک و یاری دیگران را بخوانند و چگونه به قوانینی که انسان وضع نموده گردن می‌نهند و از رفتار آنها پیروی می‌نمایند؟! همه‌ی اینها نشانه‌ی گمراهی است.

برخی از نویسندگان وصف ایمان را به همه‌ی کسانی که به وجود خدا و آفریدگار بودن او اعتراف نموده‌اند اطلاق کرده‌اند، هرچند که او را عبادت نمایند و از روش او پیروی نکنند، این اشتباهی آشکار است؛ زیرا چهارچوب ایمان و نشانه‌های آن واضح و مشخص می‌باشد. از این رو مؤمن کسی است که طبق قرآن و سنت بدان چنگ زند. هنگامی که از پیامبر ﷺ در مورد ایمان پرسیده می‌شد، می‌فرمود:

«أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ»^۱. «ایمان یعنی به وجود خدا، فرشتگان، کتابها، پیامبران و روز واپسین یقین داشته باشی».

هر کسی یکی از این ارکان پنجگانه را نپذیرد و در مقابل آن کوتاهی نماید مؤمن محسوب نمی‌شود، بنابر این ایمان تنها باور داشتن وجود خداوند نیست.

موضوع دیگر اسلوب قرآن در ستیز با مشرکینی است که وجود خدا را قبول داشتند و او را آفریدگار و روزی دهنده و این که مرگ و زندگی در اختیار اوست و

تدبیر کننده و گرداننده امور می‌شناختند، اما همراه با او دیگری را می‌پرستیدند. بنابراین قرآن ابتدا صفات خداوند را به طور مفصل توضیح داده تا کسی که آفریدگار و روزی دهنده است شایسته عبادت است و جز او کسی دیگر شایستگی پرستش را ندارد.

خداوند متعال در این زمینه، خطاب به مشرکین می‌فرماید:

﴿أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا^ط وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣١﴾ وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿٣٢﴾ وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ ﴿٣٣﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٣٤﴾﴾ [الأنبياء: ٣٠-٣٣].

«آیا کافران نمی‌بینند که آسمانها و زمین (در آغاز خلقت به صورت توده عظیمی در گستره فضا، یکپارچه) به هم متصل بوده و سپس (بر اثر انفجار درونی هولناکی) آنها را از هم جدا ساخته‌ایم (و تدریجاً به صورت جهان کنونی درآورده‌ایم) و هرچیز زنده‌ای را (اعم از انسان و حیوان و گیاه) از آب آفریده‌ایم. آیا (درباره آفرینش کائنات نمی‌اندیشند و) ایمان نمی‌آورند؟ ما در زمین کوههای استوار و ریشه‌داری پدید آورده‌ایم تا زمین انسانها را مضطرب نسازد و توازن آنان را به هم نزند (و کوهها از فشار گدازه‌ها و گازهای درونی، و حرکات پوسته زمین، و از وزش تند بادهای، تا حدّ زیادی جلوگیری کنند)، و در لابلاهی کوهها راههای گشادی به وجود آورده‌ایم، تا این که (پیوند انسانها به وسیله سلسله جبالها از هم نگسلد و به مقصدشان) راهیاب گردند (و با دیدن این آثار به ذات آفریدگار پی ببرند). و ما آسمان را سقف محفوظی نمودیم، ولی آنان از نشانه‌های (خداشناسی موجود در) آن روی گرداندند (و درباره این همه عظمتی که بالای سرشان جلوه‌گر است نمی‌اندیشند). خداست که شب و روز و خورشید و ماه را آفریده است و همه در مداری می‌گردند (که او برای آنها تعیین کرده است)».

۳- اینکه از آیاتی که اسماء و صفات و افعال خدا را بیان می‌کنند پروردگاران را بشناسیم و، و این بهترین راهی است که بندگان را به خدا می‌رساند و به طور شایسته‌ای او را می‌شناسند. زیرا خداوند در دنیا دیده و مشاهده نمی‌شود، و کسی که با تدبر و تفکر قرآن را مطالعه نماید، می‌فهمد که آن آکنده از خداشناسی و بحث از اسماء و صفات وی می‌باشد.

اندیشیدن در اسماء و صفات خدا و ندا دادن و عظمت و بزرگی او با اسماء و صفاتی که برای خود قائل شده، بینش و درون انسان را زنده می‌گرداند و آرامش و زندگی را به او باز می‌گرداند:

﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ [الرعد: ۲۸].

«هان! دلها با یاد خدا آرام می‌گیرند (و از تذکر عظمت و قدرت خدا و انجام عبادت و کسب رضای یزدان اطمینان پیدا می‌کنند)».

﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾ [الأعراف: ۱۸۰].

«خدا دارای زیباترین نامهاست (که بر بهترین معانی و کامل ترین صفات دلالت می‌نمایند. پس به هنگام ستایش یزدان و درخواست حاجات خویش از خدای سبحان) او را بدان نامها فریاد دارید و بخوانید».

۴- معنی عبادت بسیار گسترده و وسیع است، از این‌رو عبادتی که به ما دستور داده شده تا خدا را به وسیله‌ی آن بخوانیم، کلمه‌ای است که شامل شعارهای دینداری (عبادات)، اعمال قلبی (نیت) و سلوک و رفتار است، بنابراین آنچه که امروز رایج است، منظور از شریعتی که به ما دستور داده شده از آن پیروی نماییم تنها شعارهای دینداری (عبادات) نیست.

۵- برای توحید و یگانه‌پرستی تنها اقرار به وحدانیت خدا در ربوبیت (توحید اعتقادی) و الوهیت (توحید عملی) کافی نیست، بلکه باید علاوه بر آن به

طاغوت‌هایی که در برابر خدا قرار گرفته و مورد پرستش واقع می‌شوند کفر ورزیده شود. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا﴾ [البقرة: ۲۵۶].

«بنابراین کسی که از طاغوت (شیطان و بتها و معبودهای پوшالی و هر موجودی که بر عقل بشورد و آن را از حق منصرف کند) نافرمانی کند و به خدا ایمان بیاورد، به محکم‌ترین دستاویز درآویخته است (و او را از سقوط و هلاکت می‌رهاند و) اصلاً گسستن ندارد».

عبادت بدین معنی نیست که خدا را بستاییم و سپس با کفار و ستمگران صلح و آشتی نماییم، بلکه کفر به باطل و جنگ و مقابله با آن از صمیم ایمان است و هرگز نباید با آنها سازش کرد.

۶- کینه و دشمنی با طاغوت و طاغوتیان؛ برخی از دعوت‌گران اسلامی بر این باورند که ما نسبت به کافران و فاسقان هیچ‌گونه نفرت و کینه‌ای نداریم و خواهان نیکی و خوبی برای آنها هستیم؛ زیرا انسان مسلمان کینه توز نیست و نسبت به کسی بغض و کینه ندارد؛ اما باید بدانیم که این کلمه حاوی حق و باطل است: باطل از این‌رو که معتقد هستند مسلمان نسبت به کسی بغض و کینه ندارد، و این سخنی نادرست است؛ زیرا خداوند به ما دستور داده که نسبت به شیطان، فرعون، ابوجهل و ... نهایت نفرت و کینه داشته باشیم، اینها دشمنان خدا هستند و خداوند از آنها بیزار است و آنها را ناپسند می‌شمارد، و خداوند از ما خواسته که با دشمنانش دشمنی بورزیم و آنها را زشت و منفور بدانیم:

﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ﴾ [المجادلة: ۲۲].

«مردمانی را نخواهی یافت که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشند، ولی کسانی را به دوستی بگیرند که با خدا و پیغمبرش دشمنی ورزیده باشند، هرچند که آنان پدران، یا پسران، یا برادران، و یا قوم و قبیله ایشان باشند. چرا که مؤمنان، خدا بر دلهایشان رقم ایمان زده است، و با نفخه ربانی خود یاریشان داده است و تقویتشان کرده است.»

و درباره‌ی محبت و ارتباط با آنها به ما چنین هشدار می‌دهد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ﴾ [الممتحنة: ۴].

«ای مؤمنان! دشمنان من و دشمنان خویش را به دوستی نگیرید. شما نسبت بدیشان محبت می‌کنید و مودت می‌ورزید.»

خداوند به ما دستور می‌دهد تا از ابراهیم و همراهانش پیروی نموده و او را سرمشق و الگوی خود قرار دهیم:

﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءُؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّىٰ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ﴾ [الممتحنة: ۴].

«(رفتار و کردار) ابراهیم و کسانی که بدو گرویده بودند، الگوی خوبی برای شماست، بدانگاه که به قوم خود گفتند: ما از شما و از چیزهایی که به غیر از خدا می‌پرستید، بیزار و گریزانیم، و شما را قبول نداریم و در حق شما بی‌اعتنایم، و دشمنانگی و کینه‌توزی همیشگی میان ما و شما پدیدار آمده است، تا زمانی که به خدای یگانه ایمان می‌آورید و او را به یگانگی می‌پرستید.»

لازم به ذکر است که این موضوع در قرآن و سنت واضح و آشکار می‌باشد. در حقیقت ما از این‌رو خواهان نیکی و خوبی به ستمگران و کافران هستیم که آنها را به سوی ایمان دعوت می‌نماییم و خواهان مسلمان شدن آنها هستیم.

برادران و خواهران گرامی! شناخت خدا همراه با اسماء و صفاتش و روی آوردن به عبادت و پرستش او و پیروی نمودن از روشی که در کتابش خود نازل کرده و پیامبر ﷺ آن را بیان نموده، تنها درمان بیماریها و شفای دردهای انسانهاست و مایه‌ی شادابی روح و روان ماست و باطن درونمان را روشن می‌گرداند:

﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا أَلَكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا﴾
[الشوری: ۵۲].

«همان گونه که به پیغمبران پیشین وحی کرده‌ایم، به تو نیز به فرمان خود جان را وحی کرده‌ایم (که قرآن نام دارد و مایه حیات دلهاست. پیش از وحی) تو که نمی‌دانستی کتاب چیست و ایمان کدام، ولیکن ما قرآن را نور عظیمی نموده‌ایم که در پرتو آن هر کس از بندگان خویش را بخواهیم هدایت می‌بخشیم».

خداوند بدین جهت وحی را روح و نور نامیده که وحی به روح و روان نور و روشنایی می‌بخشد و او را به زندگی حقیقی پیوند می‌دهد، انسان بدون این روح مانند حیواناتی است که می‌خورند و می‌نوشند و جنس بازی می‌نمایند.

اما روحی که انسان را به قله‌های کمال می‌رساند و او را بر دیگران برتری می‌دهد، همان روحی است که هنگام ارتباط با وحی الهی جان و روان او را فرا می‌گیرد.

کسانی که فاقد چنین روحی هستند، همچون مردگان بی‌جان می‌باشند گرچه به ظاهر زنده‌اند.

خداوند می‌فرماید:

﴿أَوْ مَن كَانَ مَيِّتًا فَأُحْيَيْنَاهُ﴾ [الأنعام: ۱۲۲].

«آیا کسی که (به سبب کفر و گمراهی همچون) مرده‌ای بوده است و ما او را با اعطای ایمان در پرتو قرآن) زنده کرده‌ایم».

کافران و گمراهان مانند مردگان بدون تحرک می‌باشند، که خداوند به وسیله‌ی وحی و کتابش به او جان می‌دهد و او را زنده می‌گرداند؛ و کسی که برای این دین خالصانه قدم بر ندارد دارای قلب و درونی بیمار است:

﴿فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا﴾ [البقرة: ۱۰].

«در دل‌هایشان بیماری حسودی و کینه‌توزی با مؤمنان) است و خداوند نیز با یاری دادن و پیروز گرداندن حق) بیماری ایشان را فزونی می‌بخشد».

تنها راه نجات از بیماری روح و روان پیروی کردن از این دین آسمانی است. لازم به یادآوری است که پیامهای افراد سرگردان و گم‌گشته‌ای همچون: انگلس، مارکس، سارتر، میشل عفلق و... بر نیرو و شاداب بودن روح و روان انسان نمی‌افزایند.

وحی خداوند نوری است که پرده‌ی تاریکیهای جهل و کفر را پاره می‌کند:

﴿أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ﴾ [الأنعام: ۱۲۲].

«(آیا کسی که (به سبب کفر و گمراهی همچون) مرده‌ای بوده است و ما او را (با اعطای ایمان در پرتو قرآن) زنده کرده‌ایم و نوری (از مناره ایمان) فرا راه او داشته‌ایم که در پرتو آن، میان مردمان راه می‌رود (و چشم او را روشنایی، گوش او را شنوایی، زبان او را توان گفتار، و دست و پای او را قدرت انجام کار می‌بخشد)».

﴿وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا﴾ [الشورى: ۵۲].

«ولی ما قرآن را نور عظیمی نموده‌ایم که در پرتو آن هر کس از بندگان خویش را بخواهیم هدایت می‌بخشیم».

خداوند برای نور هدایتی که منبع آن کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ است و در قلب انسان مؤمن می‌درخشد، مثال بسیار زیبایی ذکر کرده و می‌فرماید:

﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ

مُبْرَكَةٌ زَيْتُونَةٌ لَا شَرْقِيَّةَ وَلَا غَرْبِيَّةَ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَلَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٣٥﴾ [النور: ۳۵].

«خداوند روشنگر آسمانها و زمین است (و اوست که جهان را با نور فیزیکی ستارگان تابان، و با نور معنوی وحی و هدایت و معرفت درخشان، و با شواهد و آثار موجود در مخلوقات فروزان کرده است). نور خدا، به چلچراغی می‌ماند که در آن چراغی باشد و آن چراغ در حبابی قرار گیرد، حباب درخشانی که انگار ستاره فروزان است، و این چراغ (با روغنی) افروخته شود (که) از درخت پربرکت زیتونی (به دست آید) که نه شرقی و نه غربی است (بلکه تک درختی است در سرزمین باز و بلندی که از هر سو آفتاب بدان می‌تابد. به گونه‌ای روغنش پالوده و خالص است) انگار روغن آن بدون تماس با آتش دارد شعله‌ور می‌شود. نوری است بر فراز نوری! (نور چلچراغ و نور حباب و نور روغن زیتون، همه‌جا را نورباران کرده‌اند. به همین منوال هم نور تشریحی وحی و نور تکوینی هدایت و نور عقلانی معرفت پرده‌های شک و شبهه را از جلوی دیدگان همگان کنار زده، و جمال ایزد بلند مرتبه را بر در و دیوار وجود به تجلی انداخته‌اند. اما این چشم بینا و دل آگاه است که می‌تواند ببیند و دریابد). خدا هر که را بخواهد به نور خود رهنمود می‌کند (و شمعک نور خرد را به چلچراغ نور آحاد می‌رساند و سراپا فروزانش می‌گرداند). خداوند برای مردمان مثلها می‌زند (تا معقول را در قالب محسوس بنمایاند و دور از دایره دریافت خرد را - تا آنجا که ممکن است، با کمک وحی و در پرتو دانش - به خرد نزدیک نماید) و خداوند آگاه از هر چیزی است (و می‌داند چگونه مخلوق را با معبود آشنا گرداند)».

این مثالی است که خداوند برای نور خود در قلب انسان مؤمن ذکر کرده، و نور را به چراغ، و قلب انسان مؤمن را به حباب تشبیه نموده است، و شریعتی که منبع نور قلب انسان است را به روغن صاف، پاکیزه و معتدلی تشبیه نموده که پالوده و خالص

است؛ پس چنین نور و روشنایی، درخشان و تابنده است (نوری است بر فراز نوری!) اما تنها کسانی می‌توانند به این نور دست یابند که خداوند آنها را انتخاب نموده است:

﴿يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ﴾!

برای اینکه به این نور ربانی و ایمانی دست یابیم باید خدای یگانه را به عنوان یار و یاور خود برگزینیم و از ایدئولوژیهای گمراه و کمونیستی، سرمایه‌داری و ملی‌گرایی سر باز زده و روی برتائیم و به آیین پروردگارمان روی آوریم، در غیر این صورت تمام روشها و برنامه‌های بشری، انسان را به انواع تاریکی‌ها و گمراهی‌ها گرفتار می‌نمایند:

﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [البقرة: ۲۵۷].

«خداوند متولی و عهده‌دار (امور) کسانی است که ایمان آورده‌اند. ایشان را از تاریکی‌های (زمخت گمراهی شک و حیرت) بیرون می‌آورد و به سوی نور (حق و اطمینان) رهنمون می‌شود. و (اما) کسانی که کفر ورزیده‌اند، طاغوت (شیاطین و داعیان شرّ و گمراهی) متولی و سرپرست ایشانند. آنان را از نور (ایمان و فطرت پاک) بیرون آورده به سوی تاریکیهای (زمخت کفر و فساد) می‌کشاند. اینان اهل آتشند و در آنجا جاویدانه می‌مانند».

برادران و خواهران گرامی! کسانی که امروز در پرتو نور اسلام زندگی می‌کنند از نفس و روانی عزت مندانه و بینشی روشن و تابناک برخوردارند، آنها به حقیقت و هدایت دست یافته و با اصول و ایدئولوژیهای باطل و گمراه کننده به جنگ و ستیز پرداخته‌اند؛ آنها در عالم برزخ و دنیای آخرت نیز با همان نور و روشنایی مسیر حرکت خود را ادامه می‌دهند، اما کسانی که از این نور محروم مانده‌اند و دنیا را

همراه با عقاید و افکار و اندیشه‌هایی تاریک سپری می‌کنند که فکر منحرف انسانی آن را بوجود آورده است، در آینده با زندگی سخت و پر مشقت مواجه می‌شوند و در حالی اظهار ندامت و پشیمانی می‌کنند که سودی ندارد. خداوند سبحان حالت و وضعیت این دو گروه را در سرای آخرت چنین به تصویر می‌کشد:

﴿يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ ۖ بُشْرَانِكُمْ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٢﴾ يَوْمَ يَقُولُ الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا ۖ فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ وَبَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ ﴿١٣﴾ يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ ﴿١٤﴾ فَأَلْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوِيَكُمْ النَّارُ هِيَ مَوْلَانِكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٥﴾ أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَسِقُونَ ﴿١٦﴾ أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١٧﴾﴾ [الحديد: ۱۲-۱۵].

«روزی مردان مؤمن و زنان مؤمن را خواهی دید که (به سوی بهشت حرکت می‌کنند و) نور (ایمان و اعمال خوب) ایشان، پیشاپیش آنان و در سمت راستشان در تالاب و درخشش است (و فرشتگان بدیشان مباركبادی می‌گویند و می‌فرمایند: مژده باد! که امروز به بهشتی در می‌آید که در زیر (کاخها و درختان)

آن، رودبارها جاری است و جاودانه در آنجا بسر می‌برید و می‌مانید. پیروزی بزرگ و رستگاری سترگ، این است (خوش باشید). روزی مردان منافق و زنان منافق به مؤمنان می‌گویند: (با شتاب به سوی بهشت حرکت نکنید و) منتظرمان بمانید تا از نور شما فروغ و پرتوی (به ما بتابد و از آن) استفاده کنیم! بدیشان گفته می‌شود: به عقب برگردید (و مجدداً به دنیا بروید) و نوری به دست بیاورید! در این حال ناگهان دیواری میان آنان زده می‌شود که دری دارد. داخل آن (که به طرف مؤمنان است) رو به رحمت است (که بهشت و نعمت سرمدی است) و خارج آن (که به طرف منافقان است) رو به عذاب است (که دوزخ و نعمت ابدی است). منافقان، مؤمنان را فریاد می‌دارند، مگر ما (در دنیا) با شما نبودیم؟ می‌گویند: بلی! ولیکن (با نفاق) خویشان را گرفتار بلا کردید، و چشم به راه (مرگ پیغمبر، و نابودی مسلمانان، و برچیده شدن اسلام) ماندید و (درباره حقانیت دعوت پیغمبر و قرآن و وجود معاد و رستاخیز) شک و تردید ورزیدید، و آرزوها و پندارها شما را گول زد، تا این که فرمان خدا (مبنی بر مرگتان) فرا رسید و اهریمن (بدکاره و نفس‌آماره) فریبکار، شما را درباره خدا فریب داد. پس امروز، هم از شما، و هم از کافران، عوضی و غرامتی پذیرفته نمی‌شود. جایگاه شماها آتش دوزخ است. دوزخ سرپرستان است (و پناهگاهی جز آن ندارید) و چه بد سرنوشتی و چه بد جایگاهی است! آیا وقت آن برای مؤمنان فرا نرسیده است که دل‌هایشان به هنگام یاد خدا، و در برابر حق و حقیقتی که خدا فرو فرستاده است، بلرزد و کرنش برد؟ و آنان همچون کسانی نشوند که برای آنان قبلاً کتاب فرستاده شده است و سپس زمان طولانی بر آنان سپری گشته است، و دل‌هایشان سخت شده است، و بیشترشان فاسق و خارج (از حدود دین خدا) گشته‌اند. بدانید که خداوند زمین مرده را زنده می‌کند. ما آیه‌ها را برای شما (با ذکر مثالها) روشن می‌گردانیم و بیان می‌داریم، تا این که شما (مطالب و مقاصد آنها را) بفهمید».

در پایان از خداوند بلند مرتبه می‌خواهم که به شما توفیق دهد، گامهای استواری را به شما عطا نماید، پاداشی نیک و کامل را بر شما ارزانی دارد، شما را وسیله‌ی باز

کردن درهای نیک و بستن درهای بد قرار دهد و توسط شما همه‌ی بندگان و شهرهای این سرزمین مشمول نیکی و برکت واقع شوند و به شما شنوندگان و خوانندگان گرامی اجر و پاداش عنایت نماید.

﴿سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿۱۸۰﴾ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ﴿۱۸۱﴾
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۸۲﴾﴾ [الصفات: ۱۸۰-۱۸۲].

«پاک و منزّه است خداوندگار تو از توصیفهایی که (مشرکان درباره خدا به هم می‌یافتند و سر هم) می‌کنند، خداوندگار عزّت و قدرت. درود بر پیغمبران! ستایش، یزدان را سزااست که خداوندگار جهانیان است.»